

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۸۵/۴،
پاییز و زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۷۹-۱۹۳

نقد و بررسی مباحث تاریخی نامه ۳۶ در ترجمه‌ها و شرح‌های نهج البلاغه*

دکتر علی اکبر عباسی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

Email: aa_abbasi_2@yahoo.com

دکتر محمد علی چلونگر

استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

Email: m.ghelongar@yahoo.com

چکیده

غارتگری‌های سرداران معاویه در قلمرو حکومتی حضرت علی (ع) با تهاجم ضحاک بن قیس آغاز شد و با کشتارهای بسربن‌ارطاه پایان یافت. شواهد و قرائن و تحلیل مباحث نامه ۳۶ نهج البلاغه حاکی از آن است که این نامه نمی‌تواند مربوط به ماجرای غارت بسربن‌ارطاه در یمن در سال ۴۰ هجری باشد. با تجزیه و تحلیل سخنان امیر مؤمنان (ع) در این نامه و مراجعه به منابع متقدم می‌توان دریافت که این نامه در جواب نامه عقیل و درباره غارتگری ضحاک بن قیس فهری به قلمرو حکومتی امام در سال ۳۸ هجری نوشته شده است.

واژگان کلیدی: نامه ۳۶، غارات، ضحاک بن قیس فهری، بسربن‌ارطاه

نهج البلاغه بخشی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت علی (ع) می‌باشد که عمدتاً در دوران پر حادثه خلافت ایشان ایراد و یا نوشته شده است. در بین خطبه‌ها و نامه‌ها و حتی کلمات قصار مواردی پیدا می‌شود که تمام خطبه و یا کل نامه توسط گردآورنده کتاب جمع آوری نشده است. یک نمونه از آن نامه ۳۶ است که در واقع نیمی از آن در نهج البلاغه آمده است. این نامه خطاب به عقیل بن ابی طالب نوشته شده و در آن از درگیری سپاه علی (ع) با سپاهیان دشمن سخن رفته و پس از آن امام از قریش شکوه نموده که طوایف مختلفش با هم بر ضد ایشان هماهنگ شده اند. در ادامه هم امام از قاطعیت خویش در برابر دشمنان با وجود پراکندگی کوفیان و بی تفاوتی موجود در بین آنان یاد نموده است. با توجه به این که نیمه اول نامه در این کتاب شریف نیامده، ابهاماتی درباره دلیل نوشته شدن نامه و ماجراهای مربوط به آن و شخصیت‌های مدنظر امام در نامه مطرح است. به راستی چه کسی از دشمنان امام در این نامه مدنظر ایشان است و آن حضرت درباره کدام سردار معاویه در نامه صحبت کرده است؟ همچنین این مقاله به این سوال پاسخ می‌دهد که چرا با وجودی که علی (ع) قریشی بود، قریشیان بر ضد آنحضرت کارشکنی می‌کردند. برای فهم بهتر خطبه‌ها و نامه‌ها باید شأن بیان خطبه‌ها و دلیل و شرایط نوشتن نامه‌ها مشخص شود و شخصیت‌های مدنظر امام به طرز صحیحی مشخص گردند.

در این مقاله سعی شده است با بررسی شواهد و قرائن و مراجعه به منابع متقدم مباحث تاریخی نامه ۳۶ نهج البلاغه و شخصیت‌های مدنظر امام در این نامه و سخنان آن بزرگوار درباره قریش و مردم کوفه مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

یک سلسله از حوادث دردناک دوران حکومت امیر المومنین (ع) آشفتگی‌هایی است که سرداران معاویه پس از جنگ نهروان در قلمرو حکومتی حضرت علی (ع) انجام می‌دادند. آن حضرت نزدیک به نیمی از دوران خلافتش را با این معضل مواجه

بود و کوفیان به سرعتی که لازم بود جواب این غارتگری‌ها را نمی‌دادند. اخلاص‌های سرداران سفاک و خونریز معاویه نیز از آغاز سال ۳۸ تا سال ۴۰ هجری روندی رو به گسترش داشت. انعکاس این حملات و شدت و ضعف آن در خطبه‌ها و نامه‌های علی(ع) منعکس شده است. یکی از این نامه‌ها نامه ۳۶ می‌باشد.

زمینه‌های غارتگری سرداران معاویه در قلمرو حکومتی امام

امام در این نامه از دو موضوع به عنوان زمینه‌های ایجاد این غارتگری‌ها و ناامنی‌ها یاد نموده است؛

اول هماهنگی قریش برضد آن حضرت

دوم پراکندگی کوفیان و بی‌تفاوتی این مردم نسبت به اوامر ایشان.

درباره قریش و نفوذ آن، علی(ع) در موقعیت‌های دیگری نیز به کارشکنی‌هایشان و نقش اصلی آنها در دوری امام از خلافت اشاره می‌نماید (شهیدی، خطبه ۲۱۷: ۱-۲۵۰) بیش از دو سوم نامه ۳۶ نیز به هماهنگی قریشیان برضد حضرت امیر(ع) اختصاص یافته است.

نامه ۳۶ نهج البلاغه از آن دسته نامه‌های امیر مؤمنان(ع) است که به طور کامل توسط سید رضی جمع‌آوری نشده و تنها بخشی از آن در نهج البلاغه موجود است. این مسأله باعث شده تا در ابتدای نامه ضمائری مطرح شود که شارحین و مترجمین محترم این کتاب شریف در توضیحات و تعلیقات مربوط به آن دچار اشتباه شوند. در حالی که با بررسی متن نامه و تحلیل جملات و بیانات امام و تدبر در منابع متقدم که متن کامل نامه در آنها نقل شده است، می‌توان حقیقت موضوع و شخصیت‌های اصلی مورد بحث در نامه حضرت امیر(ع) را شناخت.

مترجمین و شارحین و نامه ۳۶

در متن نامه امام در نهج البلاغه به نام شخص مورد نظر تصریح نشده و در همان ابتدای نامه ذکر شده است که: «فسرحتُ الیه جیشاً کثیفاً من المسلمین» (نهج البلاغه، ۱۱۰) در ترجمه‌ها عمدتاً به این نکته اشاره شده که شخص مورد نظر علی (ع) در ابتدای نامه، بسر بن ارطاه می باشد و در بعضی ترجمه‌ها از شخص مورد نظر یاد نشده است و یا از افراد مورد نظر امام در تعلیقات با عنوان «گروهی از دشمنان» نام برده شده است. در این مختصر ترجمه‌ها و شرح‌ها دسته‌بندی شده است؛

الف. کسانی که شخص مورد نظر را بسر می‌دانند

برخی در تعلیقات اسم بسر را آورده‌اند (شهیدی، ۱۱۰؛ آیتی، ۶۷۷؛ شیروانی، ۴۸۶، سلطانی، ۶۱۵) و برخی در متن نامه اسم بسر بن ارطاه را ذکر کرده‌اند (زمانی، ۷۲۸؛ دشتی، ۳۸۶) در حالی که در متن عربی سخنان علی (ع) نام بسر نیامده است. بعضی از شارحین هم احتمال داده‌اند که نامه پس از حمله بسر نوشته شده باشد (خوئی، ۵۹/۲۰).

ب. کسانی که نام شخص مورد نظر را ذکر نکرده‌اند

بعضی از مترجمین و یا مصححین با ذکر «اعزام سپاه به سروقت دشمنان»، «خصم» و یا «گروهی از دشمنان» درباره هویت سردار مورد نظر امام چیزی نگفته‌اند. (مقیم، ۹۹۹؛ فیض الاسلام، ۹۴۸؛ صبحی صالح، ۶۸۹-۶۸۸؛ انصاری، ۸۶۲؛ معادینخواه، ۳۳۶؛ محمدعبد، ۵۴۷؛ جعفری، ۸۹۹؛ امامی و آشتیانی، ۴۰-۶۳۹؛ فارسی، ۱-۳۹۰؛ حسینی شیرازی، ۷-۹۵؛ جوینی، ۸۱-۲۷۹؛ ابن میثم بحرانی، ۷۸/۵). مترجمی دیگر درباره علت نگارش نامه می‌نویسد، عقیل به امیر مؤمنان نوشته بود که یاران امام با من یاری نکردند و دشمن پیروز گردید (مبشری، ۴۱۴) در حالی که او از شنیدن خبر سستی کوفیان در

یاری حضرت امیر(ع) ناراحت شده بود. در ترجمه‌ای دیگر به شخصیت مورد نظر امام در نامه اشاره‌ای نشده ولی زمان نگارش نامه به اشتباه سال ۳۹ ق ذکر شده است(عابدینی، ۳۵۰) در حالی که غارت و حمله ضحاک بن قیس بلافاصله پس از نبرد نهروان بود (ثقفی کوفی، ۲۱-۱۹۴) و می دانیم جنگ نهروان در اواخر سال ۳۷ ق رخ داد(طبری، ۷۲/۵).

مدتی طولانی پس از تهاجم ضحاک، غارتگران شامی بر قلمرو حکومتی علی(ع) حمله می کردند و این ویرانگری‌ها تا شهادت حضرت امیر ادامه داشت. ممکن است این گونه تصور شود که سه جنگ جمل، صفین و نهروان از ابتدا تا تقریباً انتهای دوران خلافت علی(ع) را در بر گرفته است. در حالی که علی(ع) ترک جنگ با سرکشان را حتی یک لحظه به صلاح نمی دانست و حتی نجنگیدن با فتنه انگیزان را معادل دوزخی شدن و کافر شدن نسبت به دین محمد(ع) می دانست. (مفید، ۲۴؛ دینوری، ۱۸۸) و حتی زمانی که بیمار بود اصرار بر جمع آوری سپاه برای جهاد با معاویه داشت و زمانی که نمی توانست با خطبه خواندن مردم را به این کار وادار کند با نوشتن مباحثی در این باره و دستور درباره خوانده شدنش سعی نمود مردم را به جنگ با معاویه برانگیزد(دینوری، ۲۱۶). تمام نبردهای امام مربوط به سالهای ۳۶ و ۳۷ ق و ابتدای ۳۸ ق بود. اگر بین جمل و صفین فاصله افتاد بدلیل نامه نگاری با معاویه و امید امام به پیوستن شامیان به جماعت مسلمانان بود. بین صفین و نهروان هم فاصله کمتر از یک سال (از صفر سال ۳۷ تا رمضان همان سال) بود (نصر بن مزاحم، ۵۲۱) و قبل از اتمام مهلت صلح و به محض اینکه پیمان نامه شکسته شد و عمرو و ابوموسی بر اساس قرآن حکم نکردند، امام آماده عزیمت به شام گردید که در نهایت با همین لشکر به جنگ خوارج رفت (مسعودی، ۲/۴۰۴). در نیمه دوم سال ۳۸ و سالهای ۳۹ و ۴۰ ق حضرت امیر مواجه با حملات غارتگران شامی بود، که نمود آن را در بعضی از خطبه‌ها

و نامه‌های امام که مربوط به این دوران است، می‌توان دید (خطبه‌های ۲۵، ۲۷، ۳۴، ۵۶، ۱۱۹).

در بعضی از ترجمه‌های نهج البلاغه با وجود داشتن تعلیقات، ضمائر و شخصیت‌های مطرح در این نامه بی توضیح رها شده است و در ترجمه‌هایی نیز نامه بدون تعلیقات است (کاسب، ۲۵۸؛ شاهین، ۶۷۵؛ بهشتی، ۲۲؛ شریعتی، ۷۰۸-۹؛ عمادزاده، ۸-۹۹۷). در ترجمه ای هم عنوان شده که لشکر امام در برخورد با دشمن کوتاهی کردند که چنین نیست و چنانکه ذکر خواهد شد بر اساس متن نامه، سپاهیان امام وظیفه خود را به خوبی انجام دادند به گونه ای که بعدها ضحاک بن قیس فهری تعجب خود را از سرسختی برخی از آنها ابراز می داشت (ثقفی کوفی، ۹/۲-۴۳۸). در برخی از شرح‌ها نیز، به اشتباه، زمان نوشته شدن نامه علی(ع) را بعد از حمله و غارت بسرین ارطاه دانسته‌اند. در شرح ابن ابی‌الحدید و در توضیحات مربوط به این نامه اشاره شده که منظور امام از دشمن بسر است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۹/۱۶) در حالی که همین مؤلف متن کامل نامه امام را که مربوط به حمله ضحاک است با ذکر نام این سردار معاویه در شرح خطبه ۲۹ آورده است (همو، ۲۰-۱۱۹).

غارتگری‌های سرداران معاویه در قلمرو حکومتی امام و زمان نگارش نامه

شکی نیست که این نامه زمانی نوشته شده که سواران معاویه تحت فرماندهی سرداران بی رحم او در گوشه و کنار قلمرو حکومتی علی(ع) غارتگری‌هایی انجام می‌دادند. انگیزه این غارتگری‌ها و آدم‌کشی‌ها تزلزل موقعیت و حکومت علی(ع) و تثبیت قدرت و حکومت معاویه بود. زمان شروع این حملات و غارت‌ها نیز پس از اعلام رأی حکمین و پس از نبرد نهروان بود که یاران علی(ع) جهت عزیمت به شام با امام همراهی نشان نمی‌دادند. (ثقفی کوفی، ۱۳۵۶؛ ۲۱/۲-۴۱۸). سرپیچی کوفه از دستورات آن

حضرت زمینه را برای غارتگری سرداران معاویه فراهم می‌نمود. این غارتگری‌ها از ضحاک شروع و به بسر ختم گردید. در واقع غارت و حمله ضحاک بلافاصله پس از پیکار نهروان بود و هجوم بسر آخرین غارتگری در زمان خلافت امام علی (ع) بود و هنوز این ماجرا به پایان نرسیده بود که امام علی (ع) به شهادت رسید و فرزندش امام حسن (ع) به خلافت نشست. خطبه‌های ۲۵ و ۱۱۹ نهج البلاغه در باره تهاجم بسر ایراد شده و در متن خطبه ۲۵ هم به اسم بسر اشاره شده است. (شهیدی، ۲۵ و ۱۱۷).

حمله بسر در زمانی انجام شد که نافرمانی کوفیان از حضرت علی (ع) به اوج خود رسیده بود. اما حمله ضحاک بن قیس در زمانی انجام شد که یاران امام و سپاهیان کوفی اطاعت بیشتری نشان می‌دادند؛ هنوز اندیشه قاعدین در کوفه فراگیر نشده بود، هرچند که سستی‌ها و بی‌تفاوتی‌های بروز کرده بود. آشفتگی‌ها و غارتگری‌های ایجاد شده توسط سپاهیان و سرداران معاویه مدتی طولانی از حدود اواسط تا اواخر دوران خلافت امام علی (ع) در جریان بود و در شروع این تهاجمات کوفیان هماهنگی بیشتری برای مقابله با غارتگران از خود نشان می‌دادند. در متن الغارات ذکر عنوان خبر غارت ضحاک با کلمه هزیمته همراه است. (ثقفی کوفی، ۴۱/۲-۴۱۶ و ابن اعثم کوفی، ۲۲۰/۳). خطبه‌های امام نیز در جریان این تهاجمات و در نکوهش کوفیان مثل خطبه‌های حملات پایانی آتشین نیست. در متن الفتح ابن اعثم غارت ضحاک در ابتدای غارات ذکر شده است. منابع دیگری هم که به غارات پرداخته‌اند، غارت ضحاک را نخستین حمله در این رابطه می‌دانند (بلاذری، ۴۳۷/۲).

دلایل مربوط بودن نامه ۳۶ به حمله ضحاک بن قیس فهری

الف. ذکر نام ضحاک در نامه امام

دقت در متن نامه ۳۶ و شواهد و قرائن دیگر حاکی از آن است که این نامه پس از

حمله و غارت ضحاک بن قیس به اطراف کوفه و مقابله نمودن فوری کوفیان با ضحاک و نگرانی علی (ع) نوشته شده است. نام ضحاک هم در نامه عقیل و هم در نامه علی (ع) ذکر شده است. عقیل که از بی وفایی کوفیان نگران شده بود، در نامه‌ای به آن حضرت نوشت:

«... چون به مکه رسیدم شنیدم مردم مکه می‌گویند که ضحاک بن قیس به حیره غارت برده و هر چه از اموال خواسته با خود برده است و به سلامت بازگشته است، اف بر این زندگی در این روزگار که ضحاک بتواند به تو گستاخی کند. ضحاک چیست! کمایی خودرو در دشتی هموار و چون این خبر به من رسید چنین پنداشتم که گویا یاران تو از یاری دادنت خودداری کرده‌اند، اکنون ای پسر مادرم تصمیم خود را برای من بنویس، اگر آهنگ کشته شدن داری، برادر زادگان و فرزندان پدرت را پیش تو آورم...» (ثقفی کوفی: ۱۳۵۶/۲؛ ۴۳۰).

جواب نامه علی (ع) به عقیل تقریباً دو صفحه است که سید رضی کمتر از نصف آن را جمع آوری و در نهج البلاغه آورده است و به دلیل این که از میانه نامه تا پایان آن ذکر شده، ضمایر مطرح در خط اول نامه در نهج البلاغه نامفهوم است. در منابعی که متن کامل نامه آمده حقیقت امر روشن و کاملاً واضح است که امام نامه را درباره ضحاک بن قیس و شکست دادن سپاهیان غارتگرش نگاشته است.

نام منطقه‌ای که ضحاک غارت برد قططانه و ثعلبیه بود (بلاذری، ۴۳۸/۲) در نامه علی (ع) هم به نام ضحاک اشاره شده و آمده است که

«آنچه در مورد غارت بردن ضحاک بر مردم حیره نوشته بودی، او کوچک تر از آن است که بتواند به حیره نزدیک شود. او با گروهی اسب سوار پیش آمده بود و آهنگ راه سماوه کرده بود و از واقعه و شراف و قططانه و آن نواحی

گذشته بود و من لشگری گران از مسلمانان را به سوی او گسیل داشتم
 (...)(تقفی کوفی، ۲/۲-۴۳۱).

نامه امام در نهج البلاغه با جمله «لشکری انبوه از مسلمانان را به سوی او گسیل
 داشتم» آغاز می‌شود.

ب. مطابقت ماجراهای حمله ضحاک با سخنان امام در نامه

ماجراهای حمله و غارت ضحاک با آنچه که در نامه امیر مؤمنان درباره لشکر دشمن
 ذکر شده دقیقاً مطابقت دارد، در این نامه آمده است:

«... فلحقوه ببعض الطريق و قد طفلت الشمس للایاب فاقتلو شیئاً کللاً، فما
 كان الا كموقف ساعة حتى نجاجريضاً بعد ما أخذ منه بالمخنق و لم يبق منه غير
 الرمق. فلا يا بلای ما نجا...» (شهیدی، ۱۱۰).

برای مقابله با کشتارهای ضحاک، امام علی (ع) مردم کوفه را فراخواند که سستی
 کردند، امام خطبه‌ای در نکوهش آنان خواند، نهایتاً پس از مدتی درنگ تعدادی از
 کوفیان که حدوداً چهار هزار نفر بودند (بلاذری، ۴۳۸/۲؛ نویری، ۲۵۵/۲۰) برای مقابله
 با ضحاک آماده شدند که علی (ع) حجر بن عدی را به فرماندهی آنان انتخاب کرد
 (همو، ۴۲۵/۲؛ یعقوبی، ۱۹۶/۲؛ طبری، ۱۳۵/۵؛ ابن اثیر، ۳۷۷/۳) و حجر موفق شد به
 ضحاک که در حال فرار به سمت شام بود، رسیده و وی را شکست دهد. در این
 درگیری یاران ضحاک و سپاهیان حجر نزدیک غروب آفتاب درگیر شدند و از یاران
 حجر دو تن به نامهای عبدالله و عبدالرحمن فرزندان حوزة ازدی (بلاذری، ۴۳۸/۲) و از
 نیروهای ضحاک نوزده و یا هفده تن کشته شدند (بلاذری، ۴۳۷/۲). مقایسه شود با ابن
 اعثم کوفی، ۲۲۰/۳ و نیز طبری، ۱۳۵/۵؛ بلعمی، ۶۶۷/۴).

۱- طبری فقط از دو تن بدون ذکر نامشان سخن گفته است؛ ر.ک. طبری، ۱۳۵/۵.

ضحاک در گریز شبانه به شام، دچار گرفتاری و تشنگی شد و نزدیک بود هلاک شود، ولی سرانجام از مرگ نجات یافت (ثقفی کوفی، ۴۴۱/۲). این گرفتاری ضحاک که در برگشت از یارانش جدا افتاده بود و با دردهای جدی مواجه شد، و در نهایت جان بدر بردنش و رسیدن وی به نزد معاویه (همو، ۲۴۰/۲) در نامه امام هم ذکر شده است. این نامه نمی‌تواند پس از حمله و غارت بسر بن ارطاه بر یمن نوشته شده باشد، زیرا با حوادثی که برای بسر اتفاق افتاد هماهنگی ندارد. بسر در سال ۴۰ ق به حجاز و یمن حمله برد، امام در خطبه‌هایی که در جریان حمله بسر ایراد نمود، نکوهش بیشتری متوجه مردم کوفه نمود به دلیل این که آنان نسبت به زمان حمله ضحاک در سال ۳۸ هجری بی‌تفاوت‌تر شده بودند و به دعوت امام پاسخ مساعدی نمی‌دادند و مدت زمانی طولانی لشکر برای مقابله با اقدامات بسر فراهم نمی‌شد، تا جایی که بسر سرتاسر حجاز را در نوردید و به یمن رسید. او در مسجد مدینه مردم را تهدید به کشتار دست جمعی نمود و دستور داد درهای مسجد را ببندند (ابن عبدالبر، ۸۸/۱)، هرچند در نهایت آنها را رها کرد. امام متعاقب این حمله در خطبه‌ای گفت:

«شنیده‌ام که بسر به یمن در آمده است، همانا می‌بینم که این مردم به شما چیره می‌شوند که آنان در باطل خود فراهمند و شما در حق خود پراکنده و پریش. آنان با امام خود کار به امانت می‌کنند و شما کار به خیانت...» (شهیدی، خطبه ۲۵).

بسیار دیر هنگام فقط حدود ۲ هزار نفر برای تعقیب و جنگ با بسر آماده شدند و امام جاریه بن قدامه را به فرماندهی دوهزار نفر به تعقیب بسر فرستاد. (یعقوبی، ۱۹۸/۲) و پس از آن نیز گروهی دیگر رابه فرماندهی وهب بن مسعود به همین ماموریت اعزام کرد (بلاذری، ۴۵۵/۲). جاریه توانست بسر را از قلمرو و حوزه حکومتی علی (ع) بیرون براند ولی هیچگاه به او دست نیافت و بسر بدون هیچ گونه

درگیری توانست سالم به قلمرو معاویه فرار کند. وهب بن مسعود خثعمی نیز به بسر نرسید و به هیچیک از یاران او دست نیافت (همو، ۴/۵۵۸). بسر در برگشت خطاب به معاویه گفت: بدون دادن حتی یک تن تلفات برگشتم. «... انی سرت فی هذا الجیش اقتل عدوک ذاهبا جائیا لم ینکب رجل منهم نکهه...» (ثقفی کوفی، ۲/۶۳۹؛ ابن ابی الحدید، ۲/۱۷). وی در این حمله بسیاری را کشت، خانه‌های بسیاری را سوزاند و مردم را تهدید کرد. اشعاری درباره کشتارها و غارت‌های وی سروده شده است (ابن ابی الحدید، ۲/۱۱). تعداد کسانی را که به دست وی کشته شدند به صورت مبالغه آمیزی تا ۳۰۰۰ تن نوشته‌اند. (همو، ۲/۱۱). از آن جمله می‌توان به دو کودک عبیدالله بن عباس حاکم علی (ع) بر یمن اشاره کرد (ابن عبدالبر، ۱/۱۵۹).

ج. شهادت علی (ع) همزمان با غارت بسر

هنوز جاریه بن قدامه، فرمانده اعزامی علی (ع) بازنگشته بود که امام به شهادت رسید و مردم مکه خطاب به جاریه می‌گفتند: «علی کشته شده، با تو برای چه کسی بیعت کنیم» (ثقفی کوفی، ۶۳۹). اما مردم مدینه با جاریه به نیابت از امام حسن (ع) بیعت کردند (بلاذری، ۲/۴۵۸). علی (ع) بعد از غارت بسر زنده نبود که عقیل به ایشان نامه‌ای بنویسد و ایشان به آن جواب دهد، سپاه امام برای مقابله با بسر بسیار دیر آماده شد و امام متعاقب آن در خطبه‌ای فرمود، «کاش مرا هزار سوار از بنو فراس بن غنم بود که تا ایشان را می‌خواندی سوارانی از ایشان نزد تو می‌آمدند تا زنده چون ابر تابستانی» (شهیدی، ۲۵)، سپاه جاریه با نیروهای بسر درگیر نشد که صحبت از جنگ با لشگریان شام در هنگام غروب باشد و خود بسر هم دچار گرفتاری و تشنگی نشد. بنابراین این نامه نمی‌تواند درباره ماجرای غارت بسر بن اوطاة نوشته شده باشد و مربوط به غارت ضحاک بن قیس فهری است.

ضحاک اولین سردار مورد اعتماد معاویه بود که درخواست وی برای غارتگری را

پذیرفت. پس از اینکه در شام شایع شد که علی (ع) همراه مردم عراق عازم شام است، به دستور معاویه شامیان برای مقابله جمع شدند و درباره محل نبرد به تبادل نظر پرداختند اما کمی بعد خبری جدید آمد که قاریان سپاه علی بر ضد او خروج کردند و او ناچار به ایشان پرداخت و پس از پایان نبرد نهروان کوفیان نظرش را در باره نبرد با شامیان نپذیرفتند و بین مردم کوفه پراکندگی ایجاد شد. در این شرایط هنوز سپاه معاویه بازنگشته بود که وی ضحاک را فرا خواند و به او دستور حمله و ایجاد آشوب و ناامنی را داد (ثقفی کوفی، ۴۲۱/۲). علی (ع) برای مقابله با تهاجم ضحاک، حجر بن عدی را روانه کرد و ضحاک چون شنید که حجر به تعقیب او آمده، گریخت. یاران حجر نزدیکی غروب آفتاب به نیروهای ضحاک رسیدند و با آنان درگیر شدند و سپاه ضحاک را شکست دادند. نهایتاً شب شد و سپاهیان امام دست از پیکار برداشتند، صبحگاهان اثری از ضحاک و یارانش ندیدند. بعدها ضحاک به پاس خدماتش به معاویه مدتی به حکومت کوفه هم رسید و در آنجا از این حمله یاد نموده و از کشتن عمرو بن عمیس بن مسعود، برادرزاده عبدالله بن مسعود، در آن حمله به دست خود با افتخار یاد می‌کرد (ثقفی کوفی، ۴۳۷/۲؛ بلاذری، ۴۳۹/۲). او در صفین همراه معاویه و از سرداران سپاه بود (نصر بن مزاحم منقری، ۳۶۰) و در زمان خلافت معاویه نیز سالار نگهبانانش گردید (دینوری، ۲۲۶). وی از ولایتعهدی یزید هم به شدت طرفداری نمود (ابن قتیبه دینوری، ۱۸۸-۹/۱). بعد از بیماری معاویه و مرگ او، وصیت‌های وی را به یزید رساند (دینوری، ۲۲۶) و بعدها بر ضد مروان بن حکم و به نفع ابن زبیر در درگیری مرج راهط شرکت کرد و کشته شد (یعقوبی، ۲۵۶/۲). شروع غارتگری‌ها با حمله اوست و در ادامه سرداران دیگر معاویه مثل نعمان بن بشیر و سفیان بن عوف و عبدالله خصرمی و مخصوصاً بسر بن ارطاة آشفتگی‌ها، ناامنی‌ها و کشتارهایی را در حوزه حکومتی حضرت علی (ع) به وجود آوردند.

کتابشناسی

- آیتی، عبدالمحمد، *نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج البلاغه، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۷.
- ابن ابی الحدید، شرح *نهج البلاغه*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بی جا، داراحیاءالکتب العربیه، ۲-۱۹۶۱.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی؛ *الکامل فی التاریخ*، دارصادر، بیروت، ۱۳۸۵/۱۹۶۵.
- ابن اعثم کوفی، *الفتوح*، تحقیق علی شیری، دارالاضواء، الطبعة الاولى، [بی تا].
- ابن قتیبه دینوری، *الامامه و السیاسه*، تحقیق علی شیری، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الاولى، ۱۴۱۰ق.
- ابن عبدالبر، ابوعمر یوسف، *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، دارالجیل، بیروت، ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- ابن میثم بحرانی، کمال الدین، *شرح نهج البلاغه*، دارالآثار للنشر دارالعالم الاسلامی، بیروت، بی تا.
- امامی جعفر و آشتیانی محمد رضا، *نهج البلاغه* انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، قم، ۱۳۸۴.
- انصاری قمی، محمد علی، *نهج البلاغه*، انتشارات نوین، تهران، [بی تا].
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، *انساب الاشراف*، تحقیق شیخ محمد باقر محمودی، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۹۷۴م.
- بلعی، *تاریخنامه طبری*، تحقیق محمد روشن، سروش، تهران، ۱۳۷۳.
- بهشتی محمد، *نهج البلاغه*، انتشارات شهرپور، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم محمد، *الغارات*، به تصحیح میر جلال الدین ارموی، سلسله انتشارات انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۶.
- جعفری، محمد تقی، *نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هشتم، [بی تا].
- حسینی شیرازی، سیدمحمد، *توضیح نهج البلاغه*، دارالعلوم، ۱۴۲۳.

خوئی، حبیب‌الله، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، التصحیح السید ابراهیم میانجی، منشورات مکتبه اسلامیة، طهران، ۱۳۸۹ق.

دشتی، محمد، *نهج البلاغه*، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمومنین، چاپ سی و ششم، ۱۳۸۵.
دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، *اخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، داراحیاءالکتب العربیة، الطبعة الاولى، قاهره، ۱۹۶۰.

زمانی، مصطفی، *نهج البلاغه*، مؤسسه انتشارات نبوی، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.
سلطانی، محمدحسن، *نهج البلاغه منظوم*، مصحح سهراب اسدی، انتشارات به‌آفرین، چاپ-دوم، ۱۳۷۹.

شاهین، داریوش، *نهج البلاغه*، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱.
شریعتی، مهدی، *نهج البلاغه*، انتشارات فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۲.
شهیدی، سید جعفر، *نهج البلاغه*، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲،
شیخ مفید، نبرد جمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشرنی، تهران، ۱۳۶۷.

شیروانی علی *نهج البلاغه*، انتشارات دارالعلم، قم، ۱۳۸۳.
صبحی صالح، *نهج البلاغه*، دارالهجره، قم، ۱۴۱۲.
طبری، محمدبن جریر، *التاریخ الطبری*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالتراث العربی، بیروت، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

عابدینی مطلق، کاظم، *نهج البلاغه*، نشر فراگفت، قم، ۱۳۸۲.
عبده، شیخ محمد، *نهج البلاغه*، منشورات مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۳.
عماد زاده، حسین، *نهج البلاغه*، انتشارات شرف، تهران، بی تا.
فارسی محسن، *نهج البلاغه*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۳.
فیض الاسلام، نقی، *نهج البلاغه*، بی تا، بی جا.
کاسب، عزیزالله، *نهج البلاغه*، نشر محمد، ۱۳۷۹.

- مبشری، اسدالله، *نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۳.
- مسعودی ابوالحسن علی بن حسین، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، دارالهجره، قم، ۱۴۰۹.
- معادیخواه، عبدالمجید، *نهج البلاغه*، نشر ذره، قم، ۱۳۷۴.
- مقیمى محمد، *نهج البلاغه*، کتابفروشى سعدى، تهران، بی تا.
- نصر بن مزاحم منقرى، *وقعة صفین*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، المؤسسة العربیة الحدیثه، القاهره، ۱۳۸۲.
- نویری، شهاب‌الدین احمد. *نهایة الارب فی فنون الادب*، دارالکتب و الوثائق القومیه، قاهره، ۱۴۲۳.
- نهج البلاغه*، ترجمه حدود قرن پنجم و ششم، تصحیح عزیزالله جوینی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۸.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، *التاریخ الیعقوبی*، دارصادر، بیروت، بی تا.